

ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات آموزش عالی بر توسعه مکاتب علمی در دانشگاه‌های ایران

• مسعود عالمی نیسی^۱، احمد محجوبیان^۲

چکیده

حضور و پرورش مکاتب علمی در دانشگاه‌ها می‌تواند سرمنشأ گفت‌وگوی سازنده و پیشرفت علمی شود. به نظر می‌رسد برخلاف بسیاری از دانشگاه‌های جهان، چنین وضعیتی در دانشگاه‌های کشورمان وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، دانشگاه‌ها به تقویت یک مکتب علمی خاص (اعم از داخلی یا خارجی) اهتمام نمی‌ورزند و عملاً اولویت‌بندی میان نظریه‌ها و مکاتب موجود وجود ندارد. پرسش پژوهش حاضر آن است که نقش قوانین و مقررات آموزش عالی در این وضعیت چیست؛ آیا قوانین و مقررات باعث شده که دانشگاه‌ها نتوانند روی مکتب علمی خاصی متمرکز شوند؟ پاسخ به این پرسش طی دو مرحله انجام شد: اول، بر اساس رویکرد سیستمی به دانشگاه، با استفاده از روش گروه‌محوری، راهبردهای هفت‌گانه تقویت حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها استخراج شدند. دوم، در چارچوب ارزیابی قوانین و مقررات، با استفاده از معیار راهبردهای هفت‌گانه مذکور، تمامی قوانین و مقررات مربوط به آموزش عالی، از نظر تأثیر آن‌ها بر حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها، مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع، نتیجه این پژوهش آن است که قوانین و مقررات زمینه‌چندان مساعدی را برای توسعه حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها فراهم نمی‌کنند.

واژگان کلیدی

مکتب علمی، دانشگاه، ارزیابی قوانین و مقررات، قوانین و مقررات آموزش عالی، رویکرد سیستمی.

مقدمه

یکی از پیشران‌های رشد علمی، به‌ویژه در علوم انسانی، حضور مکاتب علمی مختلف و حتی رقیب در نظام علمی و دانشگاهی است. به‌این ترتیب در یک دانشگاه، استادان و دانشجویان و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی آن‌ها به بسط یک مکتب علمی کمک می‌کند و دانشگاه دیگر، مکتب علمی دیگر و فضای مباحثه علمی میان آن‌ها به تقویت هر دو مکتب و درنهایت علوم انسانی منجر می‌شود. این وضعیت در دانشگاه‌های جهان قابل مشاهده است و یک دانشکده یا پژوهشکده و گاه یک دانشگاه بر روی یک مکتب علمی متمرکز هستند. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی در نهادهای علمی کشورمان وجود ندارد، به عبارت دیگر، دانشگاه یا پژوهشگاهی وجود ندارد که به تقویت یک مکتب علمی خاص (اعم از داخلی یا خارجی) اهتمام بورزد و به آن شهره باشد. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و استادان و دانشجویان نه‌تنها باعث تولد مکتب علمی نشده‌اند، بلکه عملاً روی همه نظریه‌ها و مکاتب موجود فعالیت می‌کنند و تمرکز خاصی ندارند. به‌عنوان مثال، در علوم اجتماعی یک دانشگاه معین و حتی یک استاد معین روی همه مکاتب کارکردگرایی، تضاد، فمینیسم و... فعالیت پژوهشی دارد و اولویت‌بندی وجود ندارد. چرا چنین پدیده‌ای در کشور ما وجود دارد؟

وجود این پدیده می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد، اما قوانین و مقررات نظام آموزش عالی می‌توانند نقش بسزایی در این پدیده داشته باشند. قوانین و مقررات را می‌توان مهم‌ترین بخش نرم‌افزاری یک نظام دانست که محدوده و چگونگی فعالیت اجزای نظام و همچنین تعاملات میان آن‌ها را تنظیم می‌کند. پرسش این است که آیا توسعه اندک مکاتب علمی در دانشگاه‌ها ریشه در قوانین و مقررات نظام آموزش عالی دارد؛ آیا قوانین و مقررات به‌گونه‌ای هستند که مانع حضور و تقویت مکاتب علمی در دانشگاه‌ها می‌شوند؟

در این پژوهش، با بررسی مجموعه قوانین و مقررات مربوط به نظام آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، نسبت میان آن‌ها با موضوع «توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی کشور» معین می‌شود. به این منظور، نخست راهبردهای مختلف توسعه مکاتب علمی در نظام آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت و هفت راهبرد برای این موضوع شناسایی شد. پس از آن با بررسی و تحلیل مجموعه قوانین و مقررات مربوط به نظام آموزش عالی، به این سؤال پاسخ داده شد که هر یک از قوانین و مقررات حاکم بر نظام آموزش عالی ایران چه اثری (مثبت یا منفی) بر شکل‌گیری و توسعه مکاتب علمی در این نظام دارند.

پیشینه پژوهش

احمد مرکز مالگیری در مقاله خود با عنوان «ملاحظات در انجام فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون در ایران» با بررسی تعاریف و انواع «ارزیابی تأثیرات قانون» نشان می‌دهد که قوه مجریه صلاحیت انجام این فرایند را داشته و ملاحظات را شامل ابتدای قانون‌گذاری بر اساس لایحه، احتیاط برای گرفتار نشدن در «دام‌های قابلیت»، و ضرورت انجام مرحله‌ای فرایند ارزیابی تأثیرات قانون برای آغاز این فرایند در نظام قانون‌گذاری ایران ارائه کرده است (مالگیری، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، پژوهش‌های مختلفی اثرات قوانین گوناگون را در ایران بررسی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به «تأثیر قانون بانکداری بدون ربا بر تابع تقاضای پول ایران» (اسلامولویان، ذاکری)، «تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفیت‌زدایی» (میرزایی یزدی، موسوی، ۱۳۹۹)، «تأثیر قانون هدفمندی یارانه‌ها بر مصرف آب شهری مشهد» (عباسپور، جلیلی قاضی‌زاده، عطاری، ۱۳۹۶)، «تأثیر قانون جدید رانندگی در میزان مرگ و جرح ناشی از تخلفات پرخطر» (سوری، عینی، وهاب‌زاده، محبی، ۱۳۹۱)، «تأثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان» (سهیلی نجف‌آبادی، ۱۳۹۱) و «تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی» (سعیدی & کلامی، ۱۳۸۸) اشاره کرد. اما جست‌وجو در مقالات فارسی نشان می‌دهد که موضوع توسعه مکاتب علمی در آموزش عالی از منظر قوانین تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است.

مبانی نظری پژوهش

مکتب علمی عبارت است از مجموعه مبانی و/یا روش‌ها که مورد استفاده مجموعه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی است؛ رویکردی اندیش‌ورزانه یا روشی در حوزه‌ای خاص از دانش که بر اساس مبنایی پی‌ریزی شده است و دلالت‌های خاصی را در آن حوزه به دنبال دارد. آن رویکرد اندیش‌ورزانه ممکن است مبانی فلسفی باشد و نیز ممکن است اجتماعی، فرهنگی یا هنری باشد. آن روش نیز می‌تواند سبک ویژه‌ای در مواجهه با پدیده‌ها یا استنتاج از مبانی باشد. بنابراین، آنچه می‌تواند یک مکتب را از دیگر مکاتب متمایز کند مبانی یا روش خاصی است که دارای الزامات و دلالت‌های معرفتی در حوزه دانش مورد نظر باشد و بر اساس آن، فعالیت‌های پژوهشی صورت می‌گیرد. در این صورت، هر اندیشمندی که الزامات ناشی از قبول مبانی یا روش مکتبی را بپذیرد طرف‌دار آن مکتب است و ممکن است در ذیل آن مکتب، منهج یا نتایج جدید به دست بیاورد.

شکل‌گیری مکاتب علمی در بیرون دانشگاه‌ها و انتقال به درون آن‌ها؛ ریشه بسیاری از مکاتب علمی و به‌طور در علوم انسانی، که اکنون در دانشگاه‌های جهان تدریس و براساس آن‌ها پژوهش صورت می‌گیرد، خارج از دانشگاه‌هاست.

مارکسیسم ریشه در آرا و کتاب‌های کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) دارد. مارکس، با اینکه تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع دکتری به پایان رسانده بود، اما در دانشگاه به شکل حرفه‌ای مشغول به کار نشد. او حرفه روزنامه‌نگاری را برگزید و کتاب‌ها و مقالات خود را خارج از دانشگاه تألیف و منتشر کرد (Nicolaevsky & Maenchen-Helfen, 1976). اما بعدها به تدریج مکتب مارکسیسم به داخل دانشگاه‌ها آمد. از جمله صاحب‌نظران دانشگاهی مارکسیست می‌توان به لویی آلتوسر (۱۹۹۰-۱۹۱۸) و گئورگ لوکاج (۱۹۷۱-۱۸۸۵) اشاره کرد. مؤسس داروینیسم چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹) است که در حوزه‌های مرتبط با زیست‌شناسی، تنها تحصیلاتی ناتمام در زمینه پزشکی داشت. با وجودی که هنسلو، استاد داروین در کمبریج، زمینه‌ساز تحقیقات داروین در مورد نظریه تکامل و شهرت آن شد و داروین با مجامع علمی ارتباط نزدیکی داشت، اما هیچ‌گاه عضو رسمی آن‌ها نبود. بعدها داروینیسم در دانشگاه‌ها گسترش پیدا کرد؛ از جمله مهم‌ترین داروینیست‌های دانشگاهی می‌توان به ریچارد داوکینز (۱۹۴۱-)، استیفان جی گولد (۲۰۰۵-۱۹۴۱) و ارنست مایر (۲۰۰۵-۱۹۰۴) اشاره کرد.

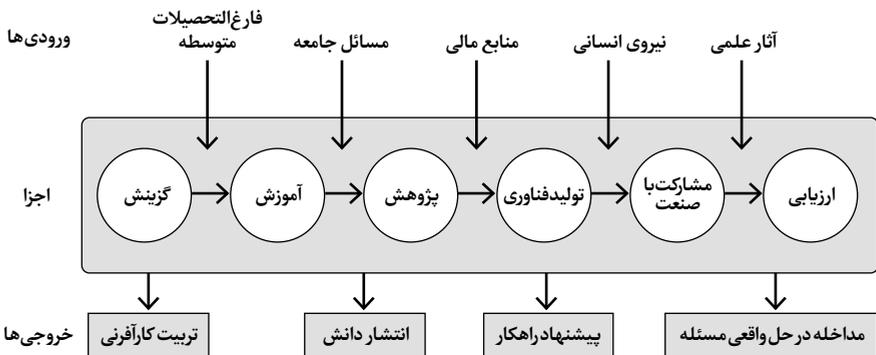
مکتب فرانکفورت را ماکس هورکهایمر (۱۹۷۳-۱۸۹۵) در قالب انجمن پژوهش‌های اجتماعی در فرانکفورت تأسیس کرد. انجمن پژوهش‌های اجتماعی، با اینکه اکنون وابسته به دانشگاه فرانکفورت است و در مسیر تحولات خویش مدتی وابسته به دانشگاه کلمبیا در نیویورک بود، اما در ابتدا فلیکس ویل - که از شاگردان کارل کرش، فیلسوف مارکسیست، بود - در سال ۱۹۲۳ آن را با حمایت مالی پدرش تأسیس کرد. با وجودی که هورکهایمر در دانشگاه تدریس می‌کرد، اما شکل‌گیری مکتب فکری خویش را در انجمن دنبال می‌کرد، نه نظام رسمی آموزش دانشگاهی.

نمونه‌های بسیاری از مکاتب علمی را می‌توان ذکر کرد که سرچشمه شکل‌گیری آن‌ها بیرون از دانشگاه بوده است، اما پس از مدتی به داخل دانشگاه‌ها و درس و بحث آن‌ها کشیده شده و در آنجا رشد و نمو پیدا کرده و با آموزش و پژوهش بر مبنای آن‌ها گسترش پیدا کرده‌اند.

ورود مکاتب به دانشگاه‌ها و نشو و نما و رشد آن‌ها در درون دانشگاه‌ها با کمک سازوکارهایی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، اتخاذ راهبردهای معینی می‌تواند حضور مکاتب در دانشگاه‌ها را تسهیل کند. این راهبردها با استفاده از روش گروه‌محوری^۱ مشتمل بر نخبگان استخراج شدند. مبنای مباحث نخبگان رویکرد سیستمی به دانشگاه بود. به عبارت دیگر،

آن‌ها با مبنا قرار دادن رویکرد سیستمی و توافق بر سر اجزای سیستم دانشگاه وارد بحث و گفت‌وگو به منظور یافتن راهبردهای تقویت حضور مکاتب در دانشگاه‌ها می‌شدند؛ بدین معنی که هریک از راهبردهای به‌دست‌آمده (مذکور در بخش یافته‌ها) به یک یا چند تا از اجزای سیستم دانشگاه مربوط بود. در ادامه، رویکرد سیستمی و اجزای دانشگاه به‌مثابه یک سیستم را شرح خواهیم داد.

رویکرد سیستمی: یک سیستم مجموعه‌ای از اجزای به‌هم‌پیوسته‌ای است که در تعامل با یکدیگر کارکرد/ کارکردهای معینی را انجام می‌دهند. براین اساس، یک سیستم دارای ورودی، خروجی و اجزاست. برای توصیف دانشگاه به‌مثابه یک سیستم، می‌باید ورودی‌ها، خروجی‌ها (کارکردها) و اجزا شناسایی شوند. در پژوهش‌های علمی نیسی و نهضتی (۱۳۹۶) ورودی‌ها، اجزا و کارکردهای دانشگاه‌های نسل اول، دوم، سوم و چهارم شناسایی شده‌اند. در این پژوهش، به دلیل تمرکز بر موضوع «مسئولیت‌پذیری دانشگاه‌ها»، فقط «دانش‌آموختگان متوسطه» و «مسئله جامعه» به‌عنوان ورودی به سیستم دانشگاه در نظر گرفته شده‌اند (عالمی نیسی & نهضتی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر، علاوه بر این دو ورودی، «منابع مالی» و «نیروی انسانی» (اعضای هیئت علمی و کارمندان) و «آثار علمی» نیز به‌عنوان ورودی اضافه شدند. با اضافه کردن این موارد به نمودار سیستم دانشگاه نسل چهارم در پژوهش‌های علمی نیسی و نهضتی (۱۳۹۶)، این نمودار به صورت ذیل درمی‌آید.



شکل ۱. سیستم دانشگاه (برگرفته از (عالمی نیسی & نهضتی، ۱۳۹۶))

سیستم مذکور برای دانشگاهی ترسیم شده که کارکردها یا خروجی‌های مدنظر را انجام دهد. لذا اگر در واقعیت یک دانشگاه برخی کارکردها را نداشته باشد، ممکن است برخی اجزای موردنظر را نیز نداشته باشد.

کارکردها (خروجی) های سیستم دانشگاه: ۱. تربیت کارآفرین (در نسل های قبلی دانشگاه، تربیت متخصص)؛ ۲. انتشار دانش؛ ۳. پیشنهاد راهکار برای حل مسائل جامعه؛ ۴. مداخله در حل واقعی مسائل جامعه. دانشگاه برای انجام این کارکردها این ورودی ها را دریافت می کند: ۱. فارغ التحصیلان دوره متوسطه که در صورت پذیرفته شدن در آزمون های ورودی، به دانشجوی دانشگاه تبدیل می شوند. ۲. مسائل جامعه؛ استادان و دانشجویان به اشکال مختلف اطلاعات مربوط به مسائل جامعه را دریافت می کنند. این مسائل می تواند از طریق سازمان های دولتی و غیردولتی با دانشگاه ها در میان گذاشته شود. ۳. منابع مالی؛ این منابع می تواند در قالب بودجه دولتی، وقف، هزینه پژوهش یا هزینه سایر خدمات از سوی دانشگاه دریافت شود. ۴. نیروی انسانی؛ دانشگاه به شیوه های مختلف اقدام به جذب هیئت علمی و استخدام کارمند می کند. ۵. آثار علمی؛ استادان و دانشجویان روزانه در معرض اطلاعات علمی منتشر شده در قالب کتاب، مقاله، کنفرانس، نشست و سخنرانی قرار می گیرند. دانشگاه، برای اجرای کارکردهای فوق با استفاده از ورودی ها، نیازمند مجموعه ای از اجزاست: ۱. گزینش: هر نوع شیوه ای مانند آزمون یا مصاحبه برای انتخاب دانشجویان از میان متقاضیان فارغ التحصیل دوره متوسطه؛ ۲. آموزش: تمامی فرایندهای آموزشی از جمله آموزش های رسمی دانشگاه و آموزش های غیررسمی مانند دوره های مهارتی، بازدیدها، نشست ها و کنفرانس ها؛ ۳. پژوهش: تمامی فرایندهای پژوهشی مانند پایان نامه ها، طرح های پژوهشی درون و برون دانشگاهی؛ ۴. تولید فناوری: تمامی ساختارهایی که به تولید فناوری منجر می شوند، مانند پارک های فناوری و انکوباتورها؛ ۵. مشارکت با صنعت: دانشگاه های نسل چهارم به اجرای پژوهش های علمی بسنده نمی کنند؛ بلکه استادان و دانشجویان در این بخش، مستقیم یا غیرمستقیم، با صنعت، سازمان های دولتی، بخش های خصوصی و غیرانتفاعی ارتباط می گیرند تا بیشترین نقش آفرینی و اثرگذاری در حل مسائل جامعه و توسعه اقتصادی و اجتماعی را داشته باشند. توضیح اینکه، مفهوم صنعت در این تحقیق معنایی گسترده تر از مفهوم «صنعت کارخانه ای» است و بر تعریف کسیتی و انگ^۱ (۲۰۰۶) مبتنی است. ۶. ارزیابی: دانشجویان برای فارغ التحصیلی مورد ارزیابی قرار می گیرند (عالمی نیسی & نهضتی، ۱۳۹۶).

هنگامی که مکتب علمی معینی در یک دانشگاه حضور و تقویت می یابد، به معنای آن است که آن مکتب در خروجی های چهارگانه دانشگاه حضور دارد؛ بدین معنی که کارآفرینان یا

۱. تمامی سازمان ها، نهادها، دولت و بخش های مختلف اجتماعی که به نوعی با جامعه درگیر هستند و به دنبال پاسخی برای رفع نیاز خود هستند و پاسخ خود را از طریق مشارکت یا مشورت با مؤسسه های پژوهشی یا دانشگاه ها و غیره دریافت می کنند تحت عنوان صنعت قرار می گیرند (Cassity & Ang, 2006).

متخصصانی تربیت می‌شوند که از نظر فکری به آن مکتب نزدیک باشند، دانش منتشر شده بر آن مکتب مبتنی است، راهکارهای ارائه شده و مداخلات صورت گرفته توسط دانشگاه جهت حل مسائل جامعه با رویکرد آن مکتب انجام می‌شود.

برای آنکه دانشگاه‌ها بستری مناسب برای رشد و بالندگی مکاتب علمی باشند، قوانین و مقررات آموزش عالی می‌باید نظیر هریک از اجزای سیستم دانشگاه راهبردهای مناسبی را دنبال کند. به عبارت دیگر، راهبردهایی نظیر به نظیر هریک از بخش‌های گزینش، آموزش، پژوهش، تولید فناوری، مشارکت با صنعت و ارزیابی و در خصوص ورودی‌های پنج‌گانه (فارغ‌التحصیلان متوسطه، منابع مالی، نیروی انسانی، مسائل جامعه و آثار علمی) باید اتخاذ شوند، تا مکتب علمی در خروجی دانشگاه تقویت شود. این چارچوب مفهومی در استخراج «راهبردهای تقویت حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها» مورد استفاده قرار گرفت.

راهبردهای به دست آمده معیاری برای بررسی تأثیر قوانین و مقررات آموزش عالی بر مکاتب علمی در دانشگاه‌ها هستند. به عبارت دیگر، چارچوب تحقیق بدین شکل پیش رفت که هریک از قوانین و مقررات با این راهبردها هم‌راستا است یا نه.

ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات: از آنجاکه موضوع تحقیق بررسی نقش قوانین و مقررات در تضعیف یا تقویت مکاتب علمی است، لذا برای بررسی نتایج قوانین و مقررات از چارچوب مفهومی ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات بهره گرفته شد. «ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات (RIA) یک چارچوب تحلیلی را برای ارزیابی آثار ممکن مربوط به معرفی قوانین جدید و همچنین نتایج واقع شده قوانین موجود ارائه می‌دهد» (Kirkpatrick & Parker, 2004: 14). این چارچوب مفهومی نخست در حوزه قوانین و مقررات اقتصادی به کار گرفته شد، اما بعدها کاربرد آن به سه حوزه اصلی توسعه پایدار یعنی اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی گسترش پیدا کرد» (Kirkpatrick & Parker, 2004: 1).

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش‌های کیفی و در دو مرحله انجام شد:

مرحله اول: استخراج راهبردهای هفت‌گانه تقویت حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها: در این مرحله پس از بررسی تفصیلی ادبیات پژوهش، در مجموع یافته قابل توجهی به دست نیامد. لذا با استفاده از روش گروه محوری^۲، جلساتی با ترکیب نخبگان برای استخراج راهبردها

1. Regulatory Impact Assessment

2. Focus Group

تشکیل شد. مبنای گفت‌وگوهای این جلسات رویکرد سیستمی به دانشگاه بود. در مجموع هفت راهبرد اصلی برای تقویت حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها استخراج شد. این راهبردهای هفت‌گانه به‌عنوان معیار ارزیابی قوانین و مقررات (یعنی مرحله دوم) از نظر تقویت یا تضعیف مکاتب علمی به کار گرفته شدند.

مرحله دوم: ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات آموزش عالی: همان‌طور که گفته شد، در این مرحله از چارچوب ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات استفاده شد. به‌منظور بررسی اثرات قوانین و مقررات آموزش عالی بر شکل‌گیری و توسعه مکاتب علمی، کتاب مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲)، که در دو مجلد و ۱۵۰۰ صفحه توسط معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شد، بررسی شد. نخست تمامی عناوین مصوباتی که گمان می‌رفت با موضوع توسعه مکاتب علمی ارتباط داشته باشند استخراج شدند که تعداد آن‌ها ۶۷ عنوان بود. در مرحله بعد، متن مصوبه این عناوین، که ۹۰۰ صفحه از کتاب مذکور را شامل می‌شد، به‌صورت کامل مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت تا هرگونه نسبت میان آن‌ها با موضوع «توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی کشور» مشخص شود. این تحلیل قیاسی براساس این چارچوب انجام شد که به‌طور کلی بین هر گزاره قانونی و موضوع «توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی کشور» چهار نسبت می‌تواند وجود داشته باشد که عبارت‌اند از:

۱. **استلزام:** تحقق گزاره قانونی مستلزم افزایش حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی است. به عبارت دیگر، توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی مقدمه ضروری برای تحقق قانون مورد نظر است. قوانین و مقرراتی که دارای چنین نسبتی با موضوع افزایش حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی هستند در واقع مؤید ضرورت توجه به این موضوع هستند.

۲. **زمینه‌ساز:** قانون یا مقررات زمینه‌ساز توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی است.

۳. **منافات:** قانون یا مقررات به نحوی است که موانعی را بر سر راه توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی ایجاد می‌کند.

۴. **خنثی:** قانون و مقررات نسبت به موضوع توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی موضع مثبت یا منفی نداشته و به عبارت دیگر، سکوت اختیار کرده است. در این پژوهش صرفاً به بررسی قوانین و مقرراتی پرداخته شد که دارای نسبت‌های ۱، ۲ یا ۳ بودند. از سوی دیگر سه مورد مذکور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. **دسته اول موارد «استلزام»** را در برمی‌گیرد که در واقع نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت توسعه حضور مکاتب علمی در فضای آموزش عالی است.

۲. **دسته دوم موارد «زمینه‌ساز» و «منافات»** را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را در قالب

راهبردهای توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی دسته‌بندی کرد. همان‌طور که بیان شد، هفت راهبرد برای توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی شناسایی شدند که ذیل هر یک از آن‌ها موارد قانونی «زمینه‌ساز» یا «منافات» به صورت مجزا آورده شده‌اند و در نهایت جمع‌بندی در خصوص آن‌ها صورت می‌گیرد. و در نهایت با جمع‌بندی مطالب مذکور، در مورد وضعیت کلی نسبت قوانین با موضوع توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی نتیجه‌گیری کلی صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش را به دو دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد: ۱. راهبردهای هفت‌گانه توسعه حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها؛ ۲. نقش قوانین و مقررات در حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها.

راهبردهای توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی

همان‌طور که اشاره شد، با بهره‌گیری از پیل نخبگانی در روش گروه‌محوری، هفت راهبرد برای توسعه حضور مکاتب علمی در نظام آموزش عالی یافت شد که عبارت‌اند از:

۱. اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها در گزینش اعضای هیئت علمی: در صورتی که دانشگاه درصد تقویت مکتب علمی معینی باشد، با داشتن اختیار گزینش، می‌تواند افرادی را که آثار علمی و پژوهشی آن‌ها در مسیر آن مکتب علمی است به عنوان هیئت علمی جذب کند.
۲. تنوع‌بخشی به نظام تأمین مالی آموزش عالی: وابستگی مالی نهاد علم به منابع محدود وابستگی فکری و علمی را در پی دارد. اما اگر منابع مالی دانشگاه امکان تغییر و تنوع داشته باشد، در آن صورت دانشگاه می‌تواند برنامه پژوهشی و آموزشی دلخواه خویش و منطبق بر مکتب علمی مورد نظر را دنبال کند.

۳. فعالیت‌های فوق برنامه: فعالیت‌های فوق برنامه، که عموماً به دست دانشجویان انجام می‌شود، امکان می‌دهد تا اندیشمندان خارج از دانشگاه، از طریق برنامه‌هایی چون سخنرانی و نشست، آرا و اندیشه‌های خود را در مجامع دانشگاهی مطرح کنند. مزیت فعالیت‌های فوق برنامه تنوع‌پذیری و آزادی عمل بیشتر نسبت به برنامه درسی رسمی دانشگاه و امکان طرح مطالب و اندیشه‌های متنوع‌تر و نوین است. یک واقعیت ملموس در نظام آموزش عالی این است که در برخی موارد تأثیری را که می‌توان از یک برنامه خارج از روال درسی در بحث‌های آموزشی و پژوهشی به وجود آورد ممکن است به مراتب از برنامه‌های رسمی و معمول بیشتر و با درجه نفوذ بیشتر باشد. برنامه‌های فوق العاده و خارج از چارچوب‌های متداول درسی انعطاف بیشتری دارند و در بسیاری از موارد، رغبت بیشتری

را برای مشارکت میان مخاطبان خود اعم از استادان و دانشجویان به وجود می‌آورند. از طرف دیگر به دلیل عدم اعمال محدودیت‌های حاکم بر طرح درسی رشته‌ها، از پویایی بیشتری برخوردارند. این فضای نسبتاً مساعد می‌تواند عرصه مناسبی برای ظهور، بروز و تکامل مکاتب مختلف علمی در دانشگاه‌ها شود و صحن دانشگاه را به کارگاه چکش‌کاری نظریه‌ها و افکار مختلف مکاتب تبدیل کند و اگر مکتب علمی خارج از دانشگاه شکل گرفته باشد، از طریق فعالیت‌های فوق برنامه می‌تواند اندیشه‌های خود را به دانشگاه عرضه کند.

۴. **همکاری دانشگاه‌ها با نهادهای دیگر:** نهادهای خارج دانشگاه معمولاً دارای سلیقه‌های فکری خاص خود هستند. با گسترش همکاری دانشگاه‌ها با این نهادها امکان ظهور و حضور سلیق فکری مختلف در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، تعریف مسائل واقعی برای پژوهش‌های دانشگاهی از سوی نهادهای خارج از دانشگاه می‌تواند به پویایی علمی منجر شود که گرایش به سوی نظریه‌ها و مکاتب مختلف علمی را فراهم می‌کند.

۵. **ایجاد تنوع در مراجع علمی جهت تصمیم‌سازی در زمینه آموزش عالی:** انجمن‌ها، فرهنگستان‌ها، قطب‌ها و جمعیت‌های علمی نهادهایی هستند که اگر دارای اختیارات و وظایف مناسبی باشند می‌توانند از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی‌های مربوط به نظام علم و فناوری (و آموزش عالی)، ضمن کاستن از تمرکز مدیریتی، کمک شایانی به این نظام کنند و موجبات توجه بیشتر به مکاتب و ایده‌های مختلف در رشته‌های گوناگون علوم (و از جمله علوم قرآنی) را فراهم کنند. به عنوان نمونه می‌توان به نقش انجمن پژوهش‌های اجتماعی در شکل‌گیری مکتب فرانکفورت اشاره کرد.

۶. **ارتباطات دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های خارج از کشور:** یکی از نتایج این همکاری‌ها ورود بیشتر ایده‌ها و آرای علمی جدید به فضای دانشگاهی کشور و در نتیجه بروز و حضور آرا و سلیق علمی مختلف در دانشگاه‌هاست. این موضوع یکی از مقدمات مهم شکل‌گیری و توسعه مکاتب گوناگون علمی در فضای آموزش عالی است. از طرف دیگر، همکاری با دانشگاه‌های شهره به مکاتب علمی خاص می‌تواند به نشو و نمای آن مکتب در دانشگاه‌های داخلی کمک کند.

۷. **استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی:** مکاتب علمی خود را در آموزش و پژوهش نشان می‌دهند و تفاوت مکاتب در این دو حوزه است. هنگامی یک دانشگاه می‌تواند سبب‌ساز ظهور یک مکتب علمی یا زمینه‌ساز نشو و نمای آن شود که استادان و دانشجویان اختیار کافی برای انتخاب محتوای آموزشی و پژوهشی خود را داشته باشند.

باید گفت برای هریک از موارد هفت‌گانه فوق، مطالب زیادی در ادبیات پژوهش وجود دارد، اما نقش آن‌ها به عنوان تسهیل‌کننده حضور یا تقویت مکاتب علمی در دانشگاه‌ها از سوی محققان در ادبیات موضوع بسیار اندک است. این موضوع اهمیت یافته این بخش را

دوچندان می‌کند. در ادامه به بررسی قوانین و مقررات زمینه‌ساز با دارای منافات، ذیل هریک از راهبردهای مذکور به صورت جداگانه، می‌پردازیم.

راهبرد اول: اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها در گزینش اعضای هیئت علمی

در جدول ۱ قوانین و مقرراتی که مربوط به راهبرد اول هستند قابل مشاهده‌اند.

جدول ۱. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد اول

توضیح ارتباط	قانون یا مقررات
اعطای استقلال به دانشگاه‌ها در موارد مذکور در ماده قانونی موردنظر، اگرچه عموماً در مسائل اجرایی است، اما می‌تواند به‌ویژه از طریق استخدام اعضای هیئت علمی مناسب تاحدودی به افزایش اختیارات دانشگاه‌ها در تعیین و ارائه محتوای آموزشی و پژوهشی نیز منجر شود که در این صورت زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب علمی مختلف در فضای آموزش عالی خواهد بود.	ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
اعضای هیئت علمی رسمی با توجه به مصونیتی که در برابر اخراج از دانشگاه پیدا می‌کنند، می‌توانند برای رشد حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها عامل مهمی باشند. البته طبق ماده ۴۵ «آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری» اعضای هیئت علمی رسمی، باید به‌طور مستمر دچار رکود علمی شوند، زیرا در آن صورت مطابق ماده ۱۰۹ ممکن است بازنشست شوند، از آموزشی به پژوهشی تغییر کنند، به دانشگاهی دیگر یا یک دستگاه اجرایی منتقل شوند، مشمول باخرید شوند یا لازم باشد که استعفا دهند. همچنین مطابق ماده ۳۸ اگر عضو هیئت علمی تخلفات تعیین‌شده در «قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور» را مرتکب شود، در آن صورت موضوع به هیئت‌های رسیدگی انتظامی اعضای هیئت علمی ارجاع می‌شود.	بند ج ماده ۷ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری
با توجه به آزادی عملی که این ماده قانونی در زمینه استفاده از استادان به دانشگاه می‌دهد، اختیار دانشگاه‌ها برای به‌کارگیری و استفاده از خدمات آموزشی و پژوهشی افراد بیشتر می‌شود و لذا امکان حضور افرادی با آرا و ایده‌های مختلف علمی در فضای دانشگاه‌ها افزایش می‌یابد.	ماده ۱۱۹ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری
با توجه به اینکه در این ماده هیئت عالی جذب مسئول رسیدگی به شکایت از نحوه عملکرد هیئت‌های اجرایی تعیین شده است، لذا می‌توان گفت امکان اعمال سلیقه‌های ناصواب در فرایند جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها کمتر شده و این به معنای امکان ورود افراد دارای سلیقه علمی گوناگون است.	ماده ۶ آیین‌نامه تشکیل هیئت عالی جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور با اصلاحات بعدی

قبل از آنکه به جمع‌بندی وضعیت قانونی در این بخش بپردازیم، خوب است به نکته مهمی اشاره کنیم. این نکته مربوط به نقش رؤسای دانشگاه‌ها در به‌کارگیری اعضای هیئت علمی است. به‌طور کلی مطابق قوانین و مقررات، رئیس دانشگاه دارای قدرت زیادی در تمام امور دانشگاه است و این اختیارات مطابق ماده ۴ بند ه‌آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در به‌کارگیری و اخراج اعضای هیئت علمی هم وجود دارد. با توجه به اینکه مطابق جزء ب ماده ۴ همان آیین‌نامه، رئیس دانشگاه از سوی وزیر علوم (یا بهداشت) به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد شده و پس از تأیید شورا با حکم وزیر برای مدت ۴ سال منصوب می‌شود، می‌توان گفت سیاست‌ها و سوگیری‌های هر دولت از این طریق بر دانشگاه‌ها و به‌ویژه چینش هیئت علمی تأثیر خواهد گذاشت. این موضوع از طرفی استقلال دانشگاه‌ها را کاهش می‌دهد، ولی از نگاهی کلان‌تر می‌توان آن را عاملی برای تنوع‌بخشی به استادان جذب‌شده در دانشگاه‌ها دانست. به بیان دیگر، نسبت این موضوع با بحث حضور مکاتب در آموزش عالی به دو صورت است:

۱. دانشگاه‌ها از طریق رئیس مؤسسه سلیق وزارت علوم را دنبال می‌کنند که این امر با توجه به تمرکزی که ایجاد می‌کند با توسعه مکاتب علمی منافات دارد.
۲. تغییر دولت‌ها یا تغییر وزرای علوم موجب تغییر سلیقه حاکم بر دانشگاه‌ها می‌شود که این موضوع با ایجاد تنوع در تصمیم‌گیری‌ها زمینه‌ساز حضور آرا و سلیق علمی مختلف در دانشگاه‌هاست.

در جمع‌بندی این بخش باید گفت که در مجموع ۴ مورد مصوبه قانونی در خصوص رابطه استقلال عمل دانشگاه‌ها در گزینش اعضای هیئت علمی و افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی مشاهده شد که هر ۴ مورد نیز زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی هستند. لذا به‌طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر اختیار مناسبی به دانشگاه‌ها در گزینش اعضای هیئت علمی داده شده است و به نظر می‌رسد که «توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی» مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به این حوزه ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد دوم: تنوع‌بخشی به نظام تأمین مالی آموزش عالی

قوانین و مقررات جدول ۲ دارای ارتباط با راهبرد دوم است و محتوای آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد دوم

قانون یا مقررات	توضیح ارتباط
راهبرد کلان ۱- اقدام ملی ۴ نقشه جامع علمی کشور	منعطف شدن و متنوع شدن نظام تأمین مالی آموزش عالی موجب افزایش امکان حرکت استادان و پژوهشگران دانشگاه‌ها به سوی مکاتب مختلف علمی می‌شود.
راهبرد کلان ۱- اقدام ملی ۱۲ نقشه جامع علمی کشور	
راهبرد کلان ۶ - اقدام ملی ۲ نقشه جامع علمی کشور	
راهبرد کلان ۶ - اقدام ملی ۷ نقشه جامع علمی کشور	
ماده ۶۵ - بند ۳ قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران	منعطف و متنوع شدن نظام تأمین مالی آموزش عالی موجب افزایش امکان حرکت استادان و پژوهشگران دانشگاه‌ها به سوی مکاتب مختلف علمی می‌شود، زیرا افزایش اختیارات آن‌ها برای تصمیم‌گیری در تعریف پژوهش‌ها را در پی دارد که این موضوع به معنای کاهش تمرکز نهادی در تعیین پژوهش‌های دانشگاهی و افزایش حضور سلیق علمی گوناگون در این زمینه است.
ماده ۷ - بند و، بند ح، بند ط قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	در این مصوبات قانونی اختیاراتی به هیئت‌انای دانشگاه‌ها داده شده که نتیجه آن افزایش تنوع در منابع مالی دانشگاه‌ها بوده و لذا می‌تواند به افزایش تنوع در محتواهای علمی موجود در آموزش عالی و لذا بروز و ظهور بیشتر آرا و سلیق فکری مختلف در آنجا منجر شود.
ماده ۱۰ - ج - ۶ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	در این مصوبه قانونی اختیاراتی به هیئت‌رئیس دانشگاه‌ها داده شده که نتیجه آن افزایش تنوع در منابع مالی دانشگاه‌ها بوده و لذا می‌تواند به افزایش تنوع در محتواهای علمی موجود در آموزش عالی و لذا بروز و ظهور بیشتر آرا و سلیق فکری مختلف در آنجا منجر شود.
ماده ۹ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری	مطابق ماده ۹ محدودیت خاصی در زمینه تأمین منابع مالی برای دانشگاه در نظر گرفته نشده است. ماده ۱۲ هم تأییدکننده همین مسئله است. بنابراین: اولاً: جریان‌های فکری خارج از دانشگاه می‌توانند از مکتب علمی موردنظر خود حمایت کنند. ثانیاً: دانشگاه با کسب منابع غیردولتی می‌تواند در عمل استقلال بیشتری از دولت داشته باشد.
ماده ۱۲ آیین‌نامه مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری	
ماده ۳، بندهای ۱-۳ و ۲-۳ آیین‌نامه پژوهانه (Grant) اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	آزادی عملی که در این مواد قانونی به اعضای هیئت علمی برای تعریف و اجرای طرح‌های پژوهشی داده شده می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت استادان دانشگاه‌ها در حوزه‌ها و مکاتب مختلف علمی باشد.

تمام مواردی که در زمینه نظام تأمین مالی در قوانین مشاهده شد رابطه «زمینه‌ساز» با توسعه حضور مکاتب در دانشگاه‌ها دارند. به‌طور کلی بررسی قوانین این حوزه نشان داد که در حال حاضر اختیار و آزادی عمل زیادی در امور مالی، ذیل نقش‌های عمده «هیئت‌امنا» و «رئیس دانشگاه»، به دانشگاه‌ها اعطا شده است. لذا به نظر می‌رسد که در حال حاضر موضوع «توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی» مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به تأمین مالی ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد سوم: فعالیت‌های فوق برنامه مانند همایش، مجله، انجمن‌های دانشجویی و استادان
 موارد قابل مشاهده در جدول ۳ مصوباتی هستند که در خصوص راهبرد سوم قابل بررسی‌اند.

جدول ۳. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد سوم

توضیح ارتباط	قانون یا مقررات
همایش‌ها، نشست‌ها و مجامع علمی قالب‌هایی برای ایجاد ارتباط بیشتر میان اعضای جامعه علمی هستند؛ قالب‌هایی که می‌توانند بستر بروز ایده‌ها و آرای مختلف باشند و نشاط و سرزندگی را در جامعه علمی تقویت کنند. لذا ارتقای کیفی و کمی این قالب‌ها را می‌توان زمینه‌ساز ارائه، تقویت و تعامل میان مکاتب مختلف در علوم دانست.	راهبرد کلان ۴ - راهبرد ملی ۵ نقشه جامع علمی کشور راهبرد کلان ۴ - اقدام ملی ۹ نقشه جامع علمی کشور
ترویج فرهنگ گفت‌وگو، نقد روشمند و آزاداندیشی می‌تواند به معنای برنامه‌های غیررسمی (فوق برنامه) در فضای دانشگاهی با محتوای آرا و عقاید گوناگون علمی باشد. از سوی دیگر بخش دوم مصوبه، یعنی «گسترش زمینه ارتباط دانشگاهیان با صاحب‌نظران علمی، فرهنگی و سیاسی»، نیز زمینه لازم را برای ارتباط زنده میان فضای دانشگاه‌ها با فضای نخبگان فکری جامعه فراهم می‌کند. هر دوی این موارد می‌توانند به شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در فضای دانشگاهی کمک کنند.	ماده ۵ - بند ه - جزء ب - زیر جزء ۳ - شماره ۷ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی
همایش‌ها، نشست‌ها و مجامع علمی قالب‌هایی برای ایجاد ارتباط بیشتر میان اعضای جامعه علمی هستند؛ قالب‌هایی که می‌توانند بستر بروز ایده‌ها و آرای مختلف باشند و نشاط و سرزندگی را در جامعه علمی تقویت کنند. لذا ارتقای کیفی و کمی این قالب‌ها را می‌توان زمینه‌ساز ارائه، تقویت و تعامل میان مکاتب مختلف در علوم دانست.	ماده ۵ - بند ه - جزء ب - زیر جزء ۴ - شماره ۸
وجود نهادهایی همچون «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» به‌روشنی زمینه‌ساز بروز و حضور آرای مختلف علمی در قالب مکاتب گوناگون است.	مصوبه «تأسیس خانه ملی گفت‌وگوی آزاد»

<p>شکل دهی و چارچوب‌گذاری برای کرسی‌های نظریه‌پردازی اقدام مثبتی است که ظرفیت قابل توجهی را برای بروز و ظهور آرای مکاتب مختلف علمی فراهم می‌کند.</p>	<p>کل مصوبه «نظام‌نامه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره (ویژه معارف و علوم انسانی)»</p>
<p>با توجه به اینکه در این مصوبه امکان فعالیت کانون‌های دانشجویی با موضوع دینی و مذهبی (از جمله اسلام‌شناسی و قرآن و عترت) مطرح شده، در واقع بستر فعالیت فوق برنامه دانشجویی در زمینه این موضوعات فراهم شده است. واضح است که این مسئله زمینه حضور آرا و نظریات مختلف علمی و فکری در زمینه‌های مذکور را در فضای دانشگاه‌ها فراهم می‌آورد.</p>	<p>ماده ۱ آیین‌نامه کانون‌های فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی</p>
<p>وجود انجمن‌های علمی دانشجویی با توجه به اختیارات ذکر شده برای آن‌ها در این ماده (انتشار نشریات علمی دانشجویی، تعریف پروژه‌های تحقیقاتی، برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های علمی و پژوهشی) می‌تواند زمینه‌ساز بروز و حضور آرا و سلیق علمی مختلف در فضای آموزش عالی باشد.</p>	<p>ماده ۴ اساسنامه تشکیل انجمن علمی دانشجویی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی</p>
<p>مطابق این ماده، امکان تشکیل تشکلی تشکلی‌هایی که موضوعات قرآنی را زمینه فعالیت خود قرار دهند نیز وجود دارد که این موضوع می‌تواند، در قالب فعالیت فوق برنامه دانشجویی، زمینه‌ساز حضور آرا و دیدگاه‌های مختلف در خصوص قرآن کریم باشد.</p>	<p>ماده ۲ آیین‌نامه تشکلی‌های اسلامی دانشگاهیان</p>
<p>جشنواره فارابی ویژه علوم انسانی - اسلامی است و توسط وزارت علوم برگزار می‌شود. با توجه به برگزاری این جشنواره بین‌المللی توسط وزارت علوم، می‌توان انتظار داشت که دانشگاهیان در این جشنواره حضور پررنگی داشته باشند و تا حدودی هم از آن تأثیر بپذیرند. لذا برگزاری این جشنواره را می‌توان زمینه‌ساز ارائه آرا و سلیق مختلف فکری در حوزه علوم انسانی دانست که تا حدودی هم بر فضای آموزش عالی کشور مؤثر خواهد بود.</p>	<p>ماده ۱۱ آیین‌نامه جشنواره بین‌المللی فارابی</p>

در مجموع، ۹ مورد مصوبه قانونی در خصوص فعالیت‌های فوق برنامه مرتبط با حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی مشاهده شد که همه آن‌ها نیز زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی هستند. لذا به طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر به نظر می‌رسد که «توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی» مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به این حوزه ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد چهارم: همکاری دانشگاه‌ها با نهادهای دیگر (همکاری علمی، تعیین موضوع، تزریق پول و...)

در جدول ۴ قوانین و مقرراتی که مربوط به راهبرد اول هستند، قابل مشاهده‌اند.

جدول ۴. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد چهارم

توضیح ارتباط	قانون یا مقررات
برقراری تعامل فعال با نهادها و بنگاه‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی به معنای آن است که - تاحدی - آرا و سلیق گوناگون در هدایت محتوای آموزش عالی نقش ایفا کنند. با توجه به اینکه این اثرگذاری عمدتاً نشان‌دهنده برداشت نهادهای مذکور از نیازهای واقعی جامعه است، می‌توان انتظار داشت نقش مهمی در شکل‌دهی به آرا و مکاتب مختلف در نظام آموزش عالی داشته باشد.	راهبرد کلان ۶ - اقدام ملی ۸ نقشه جامع علمی کشور
این مصوبه مجوز ورود طلاب را به دانشگاه‌ها در ۵ رشته، که یکی از آن‌ها علوم قرآن و حدیث است، ارائه کرده است. از آنجاکه طلاب حوزه‌های علمیه نسبت به سایر پذیرفته‌شدگان رشته علوم قرآنی و حدیث محیط فکری متفاوتی را (حوزه علمیه) درک کرده‌اند، لذا ورود آن‌ها به دانشگاه‌ها موجب متنوع‌تر شدن فضای فکری حاکم بر کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی خواهد شد که این موضوع به بروز سلیق و آرای علمی مختلف کمک می‌کند.	مصوبه «ارزیابی مدارک تحصیلی صادرشده مدیریت حوزه علمیه قم»
نهادهای خارج دانشگاه معمولاً دارای سلیقه‌های فکری خاص خود هستند. با گسترش همکاری دانشگاه‌ها با این نهادها امکان ظهور و حضور سلیق فکری مختلف در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، تعریف مسائل واقعی برای پژوهش‌های دانشگاهی از سوی نهادهای خارج از دانشگاه می‌تواند به پویایی علمی منجر شود که گرایش به سوی نظریه‌ها و مکاتب مختلف علمی را فراهم می‌کند.	ماده ۳ بند ب آیین‌نامه نحوه تشکیل و فعالیت واحدهای پژوهشی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها

در مجموع، ۳ مورد مصوبه قانونی در خصوص همکاری میان دانشگاه‌ها و سایر نهادها، که با حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی ارتباط داشتند، مشاهده شد که همه آن‌ها نیز زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی هستند. تعامل دانشگاه‌ها با سایر نهادها مورد تأکید سند بالادستی نقشه جامع علمی است و امکان ایجاد پژوهشکده‌های نوع سوم نیز قالب مناسبی را برای این تعاملات ایجاد کرده است. لذا به‌طورکلی می‌توان گفت که در حال حاضر به نظر می‌رسد که «توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی» مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به این حوزه ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد پنجم: ایجاد تنوع در مراجع علمی جهت تصمیم‌سازی در زمینه آموزش عالی

جدول ۵ شامل مصوباتی است که با راهبرد پنجم در ارتباط اند.

جدول ۵. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد پنجم

توضیح ارتباط	قانون یا مقررات
انجمن‌ها، فرهنگستان‌ها و جمعیت‌های علمی نهادهایی هستند که اگر دارای اختیارات و وظایف مناسبی باشند می‌توانند از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی‌های مربوط به نظام علم و فناوری (و آموزش عالی)، ضمن کاستن از تمرکز مدیریتی، کمک شایانی به این نظام کنند و موجبات توجه بیشتر به مکاتب و ایده‌های مختلف در رشته‌های گوناگون علوم را فراهم کنند.	راهبرد کلان ۴. راهبرد ملی ۴ نقشه جامع علمی کشور
	راهبرد کلان ۴. اقدام ملی ۵ نقشه جامع علمی کشور
	راهبرد کلان ۴. اقدام ملی ۷ نقشه جامع علمی کشور
	راهبرد کلان ۷. اقدام ملی ۱۱ نقشه جامع علمی کشور
	راهبرد کلان ۱۰. اقدام ملی ۱۹ نقشه جامع علمی کشور
با توجه به اهدافی که برای سازمان تهیه و تدوین کتب علوم انسانی و اسلامی تعیین شده، چنانچه این سازمان و کمیته‌های آن بخواهند می‌توانند در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی به ترجمه و تألیف کتاب‌هایی با پس‌زمینه مکاتب علمی مختلف بپردازند که این اقدام نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب علمی گوناگون در فضای آموزش عالی خواهد داشت.	مصوبه « تأسیس سازمان تهیه و تدوین کتب علوم انسانی و اسلامی »
با توجه به اختیاراتی که در این ماده قانونی در خصوص توسعه علمی و همکاری با نخبگان ایرانی و غیرایرانی، طراحی دوره‌های میان‌رشته‌ای جدید، بازنگری در برنامه‌های درسی و آموزشی، هدفمند کردن موضوع رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و تربیت دانشجویان و دانش‌پژوهان نخبه در دوره‌های دکتری و پسادکتری به قطب‌های علمی داده شده است، این موضوع از طریق افزایش ظرفیت نهادی و کاهش تمرکز در ساختار آموزش عالی می‌تواند به گسترش آرا و افکار مختلف علمی کمک کند.	ماده ۴، بندهای ۱-۴ و ۳-۴ و ۴-۴ و ۵-۴ و ۵-۴-۷ آیین‌نامه قطب‌های علمی کشور
انجمن‌های علمی نهادهایی هستند که اگر دارای اختیارات و وظایف مناسبی باشند می‌توانند از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی‌های مربوط به نظام علم و فناوری (و آموزش عالی)، ضمن کاستن از تمرکز مدیریتی، کمک شایانی به این نظام کنند و موجبات توجه بیشتر به مکاتب و ایده‌های مختلف در رشته‌های گوناگون علوم را فراهم کنند.	مصوبه « نحوه تشکیل و صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی، ادبی و هنری »

در مجموع، ۴ مورد مصوبه قانونی در خصوص ایجاد تنوع در مراجع علمی و تصمیم‌سازی مرتبط با حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی مشاهده شد که همه آن‌ها نیز زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی هستند. در این قوانین بر اعطای مرجعیت علمی و تصمیم‌سازانه به نهادهایی همچون فرهنگستان‌ها، قطب‌های علمی، انجمن‌های علمی، سمن‌ها و اجتماعات علمی - حرفه‌ای تأکید شده است. لذا به‌طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر به نظر می‌رسد که توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به این حوزه ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد ششم: ارتباطات دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های خارج از کشور

جدول ۶ شامل مصوباتی است که با راهبرد ششم در ارتباط‌اند.

جدول ۶. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد ششم

قانون یا مقررات	توضیح ارتباط
ماده ۶۴- بند الف قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران	ایجاد شعب دانشگاهی مشترک بین دانشگاه‌های بین‌المللی و دانشگاه‌های داخل کشور زمینه مناسبی را برای همکاری بین آن‌ها فراهم می‌آورد که یکی از نتایج این همکاری‌ها ورود بیشتر ایده‌ها و آرای علمی مختلف به فضای دانشگاهی کشور است.
ماده ۲- بند ج- جزء ۶- تبصره قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	امکان استفاده از خدمات علمی و تحقیقاتی اعضای هیئت علمی و محققان غیرایرانی خارج از کشور می‌تواند زمینه‌ساز حضور آرا و سلیقه علمی متفاوت در دانشگاه‌ها باشد. این موضوع یکی از مقدمات مهم شکل‌گیری و توسعه مکاتب گوناگون علمی در فضای آموزش عالی است.
ماده ۸ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	اجازه فعالیت به شعب دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور می‌تواند زمینه‌ساز بروز آرای علمی جدید در فضای آموزش عالی کشور باشد که شکل‌گیری و توسعه مکاتب مختلف علمی را ممکن می‌سازد.
ماده ۱۱- ج- ۳- آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	همکاری با مؤسسات دیگر و به‌ویژه مؤسسات خارجی می‌تواند زمینه‌ساز بروز آرای جدید در رشته‌های علمی شود که این موضوع به شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب در نظام آموزش عالی کمک می‌کند.
ماده ۱۲- ب- ۱- (۲-۱)- ۷- آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	اختیار داده‌شده در این ماده قانونی می‌تواند با دعوت از استادان خارجی که دارای آرا و ایده‌های علمی متفاوتی هستند زمینه‌ساز ارائه و شکل‌گیری مکاتب مختلف علمی شود.

<p>امکان جذب هیئت علمی خارجی می‌تواند به افزایش ارائه آرا و سلاقی مختلف علمی در فضای آموزش عالی کمک کند. لذا به‌طور کلی این آیین‌نامه زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌هاست. اما شایان ذکر است که با توجه به مفاد آیین‌نامه امکان اجرایی شدن آن کم است، زیرا نه مؤسسات آموزش عالی و نه وزارت علوم انگیزه خاصی در این زمینه ندارند.</p>	<p>مصوبه «آیین‌نامه نحوه تأمین اعضای هیئت علمی خارجی مورد نیاز مؤسسات آموزشی و پژوهشی»</p>
<p>از آنجاکه این آیین‌نامه به‌طور کلی امکان استفاده اعضای هیئت علمی از فرصت مطالعاتی را ایجاد می‌کند زمینه‌ساز آشنایی اعضای هیئت علمی با افکار جدید (به‌ویژه در فرصت مطالعاتی خارج از کشور) است و از این رهگذر به توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در فضای آموزش عالی کمک می‌کند.</p>	<p>مصوبه «آیین‌نامه استفاده از فرصت‌های مطالعاتی برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی»</p>
<p>بستری که این آیین‌نامه برای همکاری بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور برای برگزاری دوره‌های تحصیلات تکمیلی ایجاد می‌کند زمینه‌ساز شکل‌گیری این همکاری‌هاست و می‌تواند موجب ارائه دیدگاه‌ها و آرای گوناگون علمی و فکری در فضای آموزش عالی باشد.</p>	<p>مصوبه «آیین‌نامه برگزاری دوره‌های مشترک آموزش عالی با همکاری دانشگاه‌های خارجی»</p>
<p>بهره‌گفتن از تجارب علمی چه در سطح داخل کشور و چه در سطح خارج از کشور به افزایش بروز و حضور آرا و سلاقی علمی مختلف در فضای آموزش عالی منجر می‌شود.</p>	<p>ماده ۵. بند ۵ سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاه‌ها</p>

در مجموع، ۹ مورد مصوبه قانونی در خصوص ارتباطات با دانشگاه‌های خارج از کشور مرتبط مشاهده شد که همه آن‌ها نیز زمینه‌ساز افزایش حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی هستند. لذا به‌طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر به نظر می‌رسد که توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی مشکل خاصی از نظر قوانین مربوط به این حوزه ندارد و زمینه قانونی مساعدی برای آن وجود دارد.

راهبرد هفتم: استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی

جدول ۷ نشان‌دهنده مصوبات مربوط به راهبرد هفتم است.

جدول ۷. قوانین و مقررات مربوط به راهبرد هفتم

توضیح ارتباط	قانون یا مقررات
در این مصوبه قانونی به صورت واضح بر لزوم تحقیق و نقد و بررسی آرا و نظریه‌های گوناگون به عنوان یکی از ضروریات دانشگاه اسلامی تأکید شده است.	اصول عمومی دانشگاه‌ها - بند ۲ اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی
افزایش صلاحیت حرفه‌ای و مرجعیت علمی برای استادان و پژوهشگران در نظام آموزش عالی به معنای بالا بردن سهم آن‌ها در انتخاب محتواهای علمی نیز هست. این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز اقبال بیشتر مراکز آموزش عالی به مکاتب مختلف در علوم گوناگون باشد.	راهبرد کلان ۲- راهبرد ملی ۴ نقشه جامع علمی کشور
استقلال دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ابعاد مختلفی دارد که مطابق این ماده قانونی لازم است تمامی این ابعاد مورد توجه قرار گیرند و محقق شوند. یکی از مهم‌ترین وجوه استقلال استقلال در انتخاب و ارائه محتواهای آموزشی و پژوهشی است. چنانچه این موضوع محقق شود، زمینه لازم برای بروز سلیق و آرای مختلف علمی در نظام آموزش عالی فراهم می‌شود که این موضوع بسترساز شکل‌گیری و توسعه مکاتب مختلف علمی است.	ماده ۱ - بند «و» قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
در این ماده قانونی اختیاراتی در زمینه ارزیابی و بازنگری محتوای سرفصل‌ها به منظور به‌روزرسانی و ارائه پیشنهادهای لازم به وزارتخانه‌ها به معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی داده شده است. این موضوع می‌تواند، با کاهش تمرکز در امور محتوایی رشته‌های تحصیلی، زمینه را برای بروز آرای مختلف علمی و بهره‌گیری از محتوای مکاتب گوناگون علمی فراهم کند.	ماده ۵ - بند ه - جزء ب - زیر جزء ۱- شماره ۸ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی
اختیاراتی که در زمینه تهیه برنامه‌های آموزشی دانشگاه به معاونت آموزشی و فناوری داده شده است می‌تواند زمینه‌ساز تعریف پژوهش‌هایی با زمینه مکاتب مختلف علمی باشد.	ماده ۵ - بند ه - جزء ب - زیر جزء ۴. شماره ۱۱ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

<p>اگر منظور از «برنامه‌ها» امری محتوایی باشد، در واقع از طریق تمرکززدایی حاصل از این ماده قانونی زمینه‌ای برای شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در فضای آموزش عالی فراهم می‌شود.</p>	<p>ماده ۸ - ج - ۳ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>مطابق این بند، مدیرگروه می‌تواند طرح پژوهشی پیشنهاد کند تا گروه رأساً یا با همکاری گروه‌های دیگری آن را انجام دهد. این موضوع از طریق تمرکززدایی زمینه‌ای را برای شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در فضای آموزش عالی فراهم می‌کند.</p>	<p>ماده ۸ - ج - ۸ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>این مصوبه از این نظر که اختیاری به دانشگاه‌ها برای تصویب دوره‌ها و رشته‌های آموزشی جدید و برنامه‌های آن می‌دهد می‌تواند در راستای تمرکززدایی و ورود سلیق مختلف عمل کند. اما از سوی دیگر، شورای مؤسسه به‌عنوان فیلتری برای معاونت‌ها و شوراهای تخصصی دانشگاه عمل می‌کند که این موضوع برای توسعه حضور مکاتب نقش منفی دارد. هرچند که بالاخره واگذاری اختیارات در این زمینه به دانشگاه‌ها هم نیازمند یک سیستم است.</p>	<p>ماده ۱۱ - ج - ۲ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>این مصوبه از این نظر که اختیاری به دانشگاه‌ها برای تصویب برنامه‌های آموزشی و پژوهشی کوتاه‌مدت می‌دهد می‌تواند در راستای تمرکززدایی و ورود سلیق مختلف ارزیابی شود که به توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در آموزش عالی کمک می‌کند.</p>	<p>ماده ۱۱ ج. ۵ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>با توجه به اختیاراتی که در این ماده قانونی به شورای تخصصی آموزشی در زمینه مشارکت در پیشنهاد برنامه‌های مختلف آموزشی و تحصیلات تکمیلی داده شده، این موضوع را می‌توان زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف در فضای آموزش عالی تلقی کرد.</p>	<p>ماده ۱۲ ب. ۱. (۲-۱) ۲. و ۵ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>با توجه به اختیاراتی که در این ماده قانونی به شورای تخصصی آموزشی در زمینه مشارکت در پیشنهاد برنامه‌های مختلف آموزشی و تحصیلات تکمیلی داده شده، این موضوع را می‌توان زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف در فضای آموزش عالی تلقی کرد.</p>	<p>ماده ۱۲ ب. ۲. (۲.۲) ۲. و ۵ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>

<p>در این مواد قانونی اختیاراتی در زمینه تعیین حدود مرز پژوهش‌های دانشگاهی به شورای تخصصی پژوهشی و فناوری دانشگاه‌ها داده شده که با کاهش تمرکز در این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بروز سلايق مختلف علمی باشد.</p>	<p>ماده ۱۲. ب. ۵. (۲-۵). ۳ و ۴ و ۱۱ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>با توجه به اختیاراتی که در این ماده قانونی به شورای تخصصی آموزشی، پژوهشی، دانشکده/آموزشکده در زمینه مشارکت در پیشنهاد برنامه‌های مختلف آموزشی داده شده است، این موضوع را می‌توان زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه حضور مکاتب مختلف در فضای آموزش عالی تلقی کرد.</p>	<p>ماده ۱۵. ب. ۲ و ۳ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>پایان‌نامه‌های تحقیقاتی دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر بخش مهمی از پژوهش‌های دانشگاهی را تشکیل می‌دهند و این ماده قانونی امکان می‌دهد تا در تصویب آن‌ها نگرش غیرمتمرکز و بازتری به مکاتب مختلف علمی در هر حوزه وجود داشته باشد.</p>	<p>ماده ۱۵. ب. ۲ و ۳ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>اختیاراتی که در این ماده قانونی به گروه‌های آموزشی در زمینه امور محتوایی دروس داده شده است می‌تواند زمینه‌ساز حضور بیشتر مکاتب مختلف علمی در فضای آموزش عالی باشد.</p>	<p>ماده ۱۶. ب. ۱۱ آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی</p>
<p>با توجه به اختیاراتی که در این مصوبه به شورای تحول و ارتقای علوم انسانی داده شده است، زمینه برای تمرکز تصمیم‌گیری پیرامون امور محتوایی (به‌ویژه در خصوص رشته‌های تحصیلی و محتوای برنامه درسی) در این شورا فراهم شده است که این موضوع علی‌الاصول با حضور مکاتب مختلف فکری و ارائه آرا و سلايق گوناگون علمی منافات دارد (هرچند که ممکن است به دلیل مدیریت خوب، این تعارض حداقل شود اما علی‌الاصول منافات ذکر شده وجود دارد).</p>	<p>مصوبه «آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی»</p>
<p>با توجه به اینکه تصمیم‌گیری و تصویب یک رشته تحصیلی می‌تواند به معنای اعمال نظر در خصوص مواد و برنامه درسی آن رشته‌ها هم باشد، لذا این ماده قانونی با افزایش تمرکز عرصه را برای بروز سلايق فکری و آرای مختلف علمی در مراکز مختلف حوزه علمیه و همچنین رشته‌های علوم انسانی مرتبط با مأموریت‌های حوزه‌های علمیه تنگ می‌کند.</p>	<p>ماده واحده واگذاری و تفویض صلاحیت تصمیم‌گیری و تصویب رشته‌های حوزوی و علوم انسانی مرتبط با مأموریت‌های حوزه‌های علمیه به شورای گسترش حوزه‌های علمیه</p>

<p>اگر هیچ‌گونه اختیار قابل توجهی به دانشگاه‌ها برای اعمال نظر در عناوین و محتوای دروس آموزشی داده نشود، در آن صورت به دلیل تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، زمینه بروز سلیق و آرای مختلف علمی محدود می‌شود که به معنای عدم اجازه به شکل‌گیری و توسعه مکاتب مختلف علمی در نظام آموزش عالی است.</p>	<p>ماده ۲. بند «ب». جزء ۴، جزء ۵، جزء ۶ و جزء ۱۱ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری</p>
<p>مطابق این ماده قانونی، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی در برنامه آموزشی خود دارای استقلال نیستند و برنامه آموزشی پیشنهادی خود را باید به تأیید وزارت علوم برسانند. این موضوع به معنای وجود تمرکز در تعیین محتوای آموزشی بوده و مانعی بر سر راه بروز آرا و سلیق مختلف علمی و فکری است.</p>	<p>ماده ۱۷ کلیات آیین‌نامه تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی</p>
<p>در این ماده قانونی استقلال مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی تقریباً در کلیه امور از آن‌ها سلب و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی داده شده است. این موضوع با افزایش تمرکز (به‌ویژه در اموری مانند برنامه درسی و گزینش اعضای هیئت علمی) امکان بروز آرا و سلیق مختلف علمی را کاهش می‌دهد.</p>	<p>ماده ۱ آیین‌نامه نحوه نظارت بر فعالیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی</p>
<p>تمامی موارد استقلال مؤسسه لغو شده و تحت نظارت وزارت علوم یا شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است.</p>	<p>مصوبه «اساسنامه الگو برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی»</p>

بررسی قوانین و مقررات نشان می‌دهد که در حوزه «استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی» ۱۵ مصوبه قانونی وجود دارد که زمینه‌ساز توسعه حضور مکاتب مختلف علمی در فضای آموزش عالی هستند. از سوی دیگر ۶ مصوبه نیز با این موضوع منافات دارند.

در «قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» بر آزادی علمی و اعطای استقلال به دانشگاه‌ها تأکید شده است. اما در بخش‌های دیگر این قانون، با برشمردن مأموریت‌ها و حدود اختیارات وزارت عتف، عملاً اختیار قابل توجهی برای دانشگاه‌ها جهت اعمال نظر در محتوای آموزشی در نظر گرفته نشده است.

«آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» مصوبه دیگری است که از مسیرهای مختلف، ظرفیت‌های متعددی را برای اعطای اختیارات به

دانشگاه‌ها و به‌طور خاص به معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاونت پژوهشی و فناوری، گروه‌های آموزشی و مدیرگروه‌ها، شورای مؤسسه، شورای تخصصی آموزشی، شورای تخصصی پژوهشی و فناوری، شورای تخصصی آموزشی - پژوهشی دانشکده/ آموزشکده جهت اعمال نظر در محتواهای آموزشی و پژوهشی تدارک دیده است. اما باید گفت که این ظرفیت‌ها در نهایت تحت نظارت متمرکز نهادهای بالادستی قرار دارند.

در مصوبه «اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی» به‌طور صریح بر وجود آزادی برای تحقیق و نقد و بررسی آرا و نظریات گوناگون به‌عنوان یکی از اصول عمومی دانشگاه‌ها تأکید شده است. اما از سوی دیگر بنا بر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصمیم‌گیری و تصویب رشته‌های علوم انسانی مرتبط با مأموریت‌های حوزه‌های علمیه در حوزه اختیارات شورای گسترش حوزه‌های علمیه است که با توجه به شمول مفهوم تصمیم‌گیری، علی‌القاعده شورای مذکور می‌تواند هرگونه اختیاری را از دانشگاه‌ها در زمینه رشته‌های علوم انسانی مرتبط با مأموریت‌های حوزه‌های علمیه سلب کند.

در خصوص مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی نیز روندی که در قوانین طی شده جالب توجه است. در قوانین اولیه اختیارات قابل توجهی به این مؤسسات داده شده، ولی با گذشت زمان، مصوبات بعدی تقریباً تمامی اختیارات را از آن‌ها سلب کرده است. در واقع بررسی آخرین مصوبات قانونی چنین می‌نماید که حاکمیت این مؤسسات را صرفاً کمکی برای پاسخ به نیاز جامعه برای آموزش عالی می‌داند. چرا که آن‌ها با شهریه مردمی و مدیریت غیردولتی اداره می‌شوند. و حقی برای آن‌ها جهت تغییر در حدود و ثغور تعیین شده برای آموزش عالی قائل نیست. به‌عنوان مثال، ماده ۱۴ «اساسنامه الگو برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی» تقریباً تمامی اختیارات هیئت مؤسس را در گرو تأیید وزارت علوم قرار داده است و یا مطابق ماده ۱۶ مقررات مذکور، حتی حکم هیئت امنای مؤسسه را هم باید وزیر علوم صادر کند.

مورد دیگر اختیارات قانونی است که به شورای تحول و ارتقای علوم انسانی داده شده که زمینه را برای تمرکز تصمیم‌گیری پیرامون امور محتوایی (به‌ویژه در خصوص رشته‌های تحصیلی و محتوای برنامه درسی) در این شورا فراهم می‌کند.

به‌عنوان جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت، مصوبات قانونی که زمینه‌ساز توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی هستند عموماً مواردی کلی و فاقد ضمانت اجرایی اند، درحالی‌که مصوبات قانونی دیگر با صراحت و به‌صورت شفاف و عملیاتی، استقلال دانشگاه‌ها در حوزه مسائل آموزشی و تاحدودی پژوهشی را سلب کرده‌اند.

جمع‌بندی ارزیابی قوانین و مقررات: بررسی قوانین حوزه آموزش عالی نشان می‌دهد که در حال حاضر برای ۶ راهبرد نخست، زمینه مساعد قانونی وجود دارد، به طوری که مصوبه‌ای که بتوان آن را در منافات با این ۶ راهبرد دانست مشاهده نشد و تنها راهبرد ۷، یعنی «استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی»، است که در قوانین موانعی برای آن وجود دارد. اما باید توجه کرد که نتیجه این وضعیت، برخلاف ظاهر آن، به نفع توسعه حضور مکاتب در آموزش عالی نیست، زیرا راهبرد هفتم راهبردی بسیار تعیین‌کننده است.

در توضیح باید گفت که اساساً موضوع مورد بحث، یعنی «توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی»، موضوعی محتوامحور است و در واقع راهبردهای نه‌گانه ابتدایی نقش زمینه‌سازی برای راهبرد ۷ دارند. آن‌ها راه‌هایی هستند که فضای آموزش عالی و دانشگاه‌ها را برای بروز راهبرد ۷ آماده می‌کنند. حال اگر این زمینه‌سازها شرایط مساعدی داشته باشند اما محتوای راهبرد هفتم، یعنی استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی، توسط قوانین دچار مشکل باشد، می‌توان گفت در مجموع زمینه قانونی چندان مساعدی برای توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی وجود ندارد.

در چنین شرایطی راهبردهای نه‌گانه موافق حداکثر دارای اثری تدریجی بوده و شاید بتوان امید داشت که در درازمدت راه را برای حضور مکاتب مختلف علمی در دانشگاه‌ها باز کنند، اما در کوتاه‌مدت این قوانین متمرکز در حوزه محتواهای آموزشی (و تا حدودی پژوهشی) است که تعیین‌کننده است و مانع افزایش حضور مکاتب علمی در فضای آموزش عالی خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با این پرسش آغاز شد که آیا حضور کم‌رنگ مکاتب علمی در دانشگاه‌ها محصول قوانین و مقررات حوزه آموزش عالی است. برای پاسخ به این سؤال می‌بایست معیارهایی برای ارزیابی قوانین و مقررات تهیه می‌شد. بر اساس رویکرد سیستمی به دانشگاه و با استفاده از روش گروه‌محوری (پنل نخبگان)، هفت راهبرد تقویت حضور مکاتب علمی در دانشگاه‌ها به عنوان معیار ارزیابی استخراج شدند. این راهبردها شامل این موارد بودند: (۱) اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها در گزینش اعضای هیئت علمی؛ (۲) تنوع‌بخشی به نظام تأمین مالی آموزش عالی؛ (۳) فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند همایش، مجله، انجمن‌های دانشجویی و استادان؛ (۴) همکاری دانشگاه‌ها با نهادهای دیگر (همکاری علمی، تعیین موضوع، تزریق پول و...؛ (۵) ایجاد تنوع در مراجع علمی

و تصمیم‌سازی آموزش عالی؛ ۶) ارتباطات دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های خارج از کشور؛ و ۷) استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی. سپس تمام قوانین و مقررات آموزش عالی، با استفاده از چارچوب ارزیابی تأثیر قوانین و مقررات، مورد تحلیل قیاسی قرار گرفتند و نسبت هریک از ماده‌های قانونی با راهبردهای هفت‌گانه، مبنی بر «زمینه‌سازی» یا «منافات»، استخراج شد. بررسی مجموع قوانین و مقررات نشان می‌دهد، در حال حاضر برای شش راهبرد نخست زمینه مساعد قانونی وجود دارد، به طوری که مصوبه‌ای که بتوان آن را در منافات با این شش راهبرد دانست مشاهده نشد و تنها راهبرد هفتم است که موانعی برای آن وجود دارد. به ظاهر و از نظر کمی شش راهبرد از هفت راهبرد زمینه‌ساز هستند. اما این نتیجه به معنای نقش تقویت‌کننده قوانین و مقررات برای حضور مکاتب علمی نیست، زیرا راهبردهای شش‌گانه ابتدایی نقش زمینه‌سازی را برای راهبرد هفتم دارند. حال اگر این زمینه‌سازها شرایط مساعدی داشته باشند اما محتوای راهبرد هفتم یعنی استقلال عمل دانشگاه‌ها در محتواهای آموزشی و پژوهشی توسط قوانین دچار مشکل باشد، می‌توان گفت در مجموع زمینه قانونی چندان مساعدی برای توسعه حضور مکاتب علمی در آموزش عالی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش:

تمام اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مقاله:

این نتیجه هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

تعارض منافع:

بنابراین اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع و مأخذ

- اسلاملویبان، کریم و مریم ذاکری (۱۳۸۸) «تأثیر قانون بانکداری بدون ربا بر تابع تقاضای پول ایران»، **اقتصاد اسلامی**، شماره ۳۵: ۱۲۹-۱۶۰.
- سعیدی، پرویز و عبدالحکیم کلامی (۱۳۸۸). «تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی»، **فصلنامه مدیریت صنعتی**، شماره ۷: ۱۱۲-۹۳.
- سهیلی نجف آبادی، سهیل (۱۳۹۱). «تأثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۱: ۱۷۵-۲۰۳.
- سوری، حمید؛ الهه عینی، ابراهیم وهاب‌زاده و اصغر محبی (۱۳۹۱). «تأثیر قانون جدید راندگی در میزان مرگ و جرح ناشی از تخلفات پرخطر»، **فصلنامه راهور**، شماره ۱۸: ۳۸-۲۷.
- عالمی نیسی، مسعود و زهرا نهضتی (۱۳۹۶). **بررسی تجربه سیاستگذاری فرهنگی- اجتماعی در زمینه مسئولیت‌پذیری آموزش عالی در کشورهای مختلف**. معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. منتشر نشده.
- عباسپور، فریدون، محمدرضا جلیلی قاضی‌زاده و جلال عطاری (۱۳۹۶). «تأثیر قانون هدفمندی یارانه ها بر مصرف آب شهری مشهد»، **فصلنامه آب و فاضلاب**، شماره ۱: ۷۳-۶۵.
- مرکز مالگیری، احمد (۱۴۰۰). «ملاحظات در انجام فرایند ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون در ایران»، **فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اداری**، شماره ۲۶: ۲۱۷-۱۹۵.
- میرزایی یزدی، زهرا و سیداسماعیل موسوی (۱۳۹۹). «تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی»، **فصلنامه قانون یار**، شماره ۱۶: ۲۸۶-۲۵۵.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲). «مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری».

Cassity, E. & Ang, I. (2006). 'Humanities-industry partnerships and the 'Knowledge Society': the Australian experience'. *Minerva*, 44(1): 47-63.

Kirkpatrick, C. & Parker, D. (2004). *Regulatory impact assessment an overview*. Taylor & Francis.

Nicolaevsky, B. I. & Maenchen-Helfen, O. (1976). *Karl Marx: man and fighter*. Penguin Park Imperial, NY.